

توجیه کیفر مرگ در قالب فایده‌گرایی با تأکید بر ارباب جمعی



نگارنده: محمد فهیم جاوید*

چکیده

کیفر مرگ نسبت به مجرمانی است که مهم‌ترین جرایم را مرتکب شده‌اند. در اغلب موارد، کیفر مرگ با این هدف به کار می‌رود که با کشتن مرتکب، دیگر شاهد تکرار آن رفتار بزه‌کارانه نباشیم، که یکی از میکانیزم‌های فایده‌گرایانه مجازات، بازدارنده‌گی یا همان ارباب است. اعتقاد بر این است که با ترساندن می‌توان انسان‌ها را به‌عنوان یک موجود حساب‌گر از نتایج برخی از اعمالش برحذر داشت، که این نتیجه محتمل در حقوق کیفری، مجازات «مرگ» است. مکتب فایده‌گرایی درصدد افزایش رنج‌ها و کم کردن منافع احتمالی ناشی از ارتکاب بزه است. این مکتب فکری با گزینش نگاه ابزاری به کیفرها، از جمله کیفر مرگ، نیل به بیش‌ترین منفعت اجتماعی در نتیجه تحمیل کیفر را خواستار است. اهمیت این تحقیق در رابطه به توجیه کیفر مرگ در قالب نظریه فایده‌گرایی با تأکید بر ارباب جمعی می‌باشد و هدف اصلی این تحقیق بررسی مکتب فایده‌گرایی و نحوه توجیه کیفر مرگ بوده‌است؛ هم‌چنان سؤالی که به‌دنبال پاسخ به آن بودیم، این بوده است که: مکتب فایده‌گرایی با توجه به شاخص ارباب جمعی چه دیدگاهی در مورد توجیه کیفر مرگ ارائه می‌کند؟ مقاله حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده و با استفاده از متون مرجع فایده‌گرایان، چه‌گونه‌گی توجیه کیفر مرگ را با تأکید بر ارباب جمعی مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه رسیده است که: فایده‌گرایان کیفر را به مثابه شر ضروری دانسته‌اند و کیفر مرگ را با توجه به جلوگیری از یک شر بزرگ‌تر و تأثیر بازدارنده‌گی آن مورد پذیرش قرار داده‌اند.

واژه‌گان کلیدی: اعدام، فایده‌گرایی، ارباب جمعی، فلسفه کیفر.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 26/ 07/ 2023

Accepted: 09/ 12/ 2023

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.12.I.4.14>

PP: 271-287

Justification of the Death Penalty in the form of utilitarianism with an Emphasis on Mass Intimidation



Author: Moh Fahim Jaweed *

Abstract

The death penalty is reserved for criminals who have committed the most serious crimes. In cases of the death penalty, it is used with the aim of not repeating that criminal behavior by killing the perpetrator, which is one of the utilitarian mechanisms of punishment, deterrence, or intimidation. It is based on the fact that by scaring people, as a belief, it is possible to warn about the results of some of their actions, the possible result of which in criminal law is the punishment of "death". The school of utilitarianism seeks to increase suffering and decrease the possibility of committing a crime. By choosing an instrumental view of punishments, including executions, this school tends to achieve social benefits as a result of committing crimes. This research is related to the justification of the death penalty in the theory of utilitarianism with an emphasis on mass intimidation, and the main purpose of this study is to the school of utilitarianism and the way to justify the death penalty; Also, the question that sought to be answered was, what is the point of view of the utilitarian school regarding the death penalty based on the mass intimidation index? Using the descriptive-analytical method and the reference texts of utilitarianism, the article investigated the way of justifying the death sentence with an emphasis on mass intimidation and concluded that: Utilitarians have considered punishment as a necessary evil and have accepted the death penalty considering the prevention of a greater evil and its deterrent effect.

Keywords: The Death Penalty, Utilitarianism, Deterrence, Philosophy of Punishment.

* Faculty of Law and Political Sciences, Ghalib University, Kabul, Afghanistan (fahimjaweed.fj@gmail.com)



۱. مقدمه

در قلمرو فلسفه کيفر، تلاش برای توجیه اخلاقی مجازات، محور اصلی مطالعه فیلسوفان کيفری به شمار می آید. فلاسفه کيفری، به این امید که بتوانند واکنش های کيفری را به مثابه اموری منطقی و عقلانی و در نتیجه، اخلاقی توجیه کنند، به بحث در خصوص بنیادهای هنجاری مجازات می پردازند. تحمیل رنج و مشقت، یکی از ویژه گی های ذاتی مجازات است. مجازات گاه حق حیات را، که یکی از مهم ترین موهبت های الهی می باشد، از بزه کاران سلب می کند. برای توجیه کردن این امر ناخوش آیند و آزار دهنده، فلاسفه کيفری نظریات مختلفی را ارائه نموده اند، که یکی از آن مکتب فایده گرایی می باشد. بنتام، که یکی از نظریه پردازان مکتب متذکره می باشد، فایده را اصل اولیه می داند و بر این پایه استوار است که تنها مفید بودن یا ضرورت کيفر این حق را مشروع می سازد، که انسان ها بتوانند رنجی را به هم نوع خود تحمیل کنند. پس غایت و غرض کيفر آن است که بیش ترین خوش بختی را برای بیش ترین افراد تضمین کند، و کيفری موجه است که باعث پیش گیری همه گانی (فایده جمعی) شود.

کيفر مرگ، یکی از شدیدترین کيفر هایی است که از دیر باز در مجموعه قوانین جزایی پیش بینی شده است. در اغلب موارد با این هدف به کار می رود که با کشتن مرتکب، دیگر شاهد تکرار آن رفتار بزه کارانه نباشیم؛ لذا این تحقیق به دنبال بررسی توجیه کيفر مرگ با توجه به مکتب فایده گرایی با تأکید بر ارباب جمعی می باشد، تا دیده شود توجیه کيفر مرگ بر اساس این مکتب چیست؟ در ارتباط به پیشینه این عنوان تحقیقی، مقالات متعددی نگاشته شده است. از آن جمله می توان به مقاله عبدالرضا جوان جعفری و هم کاران اشاره کرد، که در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان «بازدارنده گی و سنجش آن در فلسفه کيفر» می باشد. در این مقاله جنبه های عمومی بازدارنده گی از نگاه فلسفه کيفر مورد بررسی قرار گرفته است؛ در حالی که در مقاله حاضر، مکتب فایده گرایی، به خصوص ارباب جمعی مورد توجه است. مقاله دیگر عبدالرضا جوان جعفری و دیگران در سال ۱۳۹۸ تحت عنوان «تأملی بر خوانش فیلسوفان اصالت فایده از بازدارنده گی کيفر مرگ» به نشر سپرده شده است، که در این مقاله جنبه بازدارنده گی کيفر مرگ را به صورت کلی با توجه به مکتب فایده گرایی مورد بررسی قرار داده است. مقاله دیگری که در این راستا به رشته تحریر درآمده است، از نسرين مهرا است، که در سال ۱۳۸۶ تحت عنوان «کيفر و چه گونه گی تعیین آن در فرایند کيفری انگلستان (با تکیه بر کارکردهای کيفری)» نشر گردیده است به بررسی انواع کيفر از بُعد فلسفی پرداخته است.

به این ترتیب، اساسی ترین پرسشی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است، این است که مکتب فایده گرایی با توجه به شاخص ارباب جمعی چه دیدگاهی در مورد توجیه کيفر مرگ ارائه می کند؟ بر

این اساس در این مقاله در پی آن هستیم که دیدگاه مکتب فایده‌گرایی را برای توجیه کیفر مرگ با توجه به شاخص ارباب جمعی مورد بررسی قرار دهیم.

مقاله حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده و با استفاده از متون مرجع فایده‌گرایان، چه‌گونه‌گی توجیه کیفر مرگ را با تأکید بر ارباب جمعی مورد بررسی قرار داده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که: فلاسفه کیفری، نظریات مختلفی را ارائه نموده‌اند، که یکی از آن مکتب فایده‌گرایی می‌باشد. بنام که یکی از نظریه‌پردازان مکتب متذکره می‌باشد، فایده را اصل اولیه می‌داند و بر این پایه استوار است که تنها مفیدبودن یا ضرورت کیفر این حق را مشروع می‌سازد، که انسان‌ها بتوانند رنجی را به هم‌نوع خود تحمیل کنند. پس غایت و غرض کیفر آن است که بیش‌ترین خوش‌بختی را برای بیش‌ترین افراد تضمین کند. کیفری موجه است که باعث پیش‌گیری همه‌گانی (فایده جمعی) شود. ارباب و عبرت‌انگیزی به‌عنوان غایت اعمال مجازات و با تمرکز بر این بُعد از مجازات و ایجاد هراس و واهمه در اذهان عمومی، در پی مقابله با انگیزه‌ها و وسوسه‌های مجرمانه و درنهایت تقلیل نرخ واقعی جرایم و برقراری امنیت اجتماع بوده است؛ بنابراین، می‌توان گفت مقوله «بازدارنده‌گی مجازات» از مهم‌ترین اهداف مجازات است، که اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته تاریک و انتقام از مجرم آن‌چنان که در رویکرد سزادهی مطرح است، بل که با هدف ساختن آینده‌یی روشن لازم می‌انگارد.

۲. اهداف مجازات

نوع نگاه به مجرمان و به دنبال آن اهداف مجازات، در طول تاریخ دست‌خوش تحولات زیادی بوده است؛ به‌نحوی که به تناسب ترسیم تصویری خاص از شخص مرتکب جرم، شاهد رقم‌خوردن اهدافی چند برای مجازات‌ها هستیم؛ اهدافی که در طیفی گسترده «سزادهی و انتقام‌جویی»، «ارباب و بازدارنده‌گی»، «اصلاح و بازپروری»، «ناتوان‌سازی و حذف مجرمان» قرار دارند.

نظریه‌هایی که در باب اهداف مجازات ارائه شده‌اند، در قالب دو دسته کلی قرار می‌گیرند؛ نظریه‌های وظیفه‌گرا یا تکلیف‌بنیاد (تیوری سزاگرایی)، که کارکردی اخلاقی از مجازات را مدنظر دارند و نظریه‌های فایده‌گرا، که فایده‌مندی اجرای مجازات را مورد توجه قرار می‌دهند (بولک، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۰؛ به نقل از: رضایی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۲۵). در بررسی هدف فایده‌مندی مجازات می‌توان به طرح آن در سه حوزه پرداخت:

الف. عبرت‌آموزی و ارباب‌انگیزی (بازدارنده‌گی خاص و عام)؛

ب. بازسازی اجتماعی مجرم و بازپروری او^۱؛

ج. ناتوان‌سازی^۲ و حذف مجرمان (غلامی، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۰).

^۱. Rehabilitation

۳. بازدارنده‌گی

۳-۱. مفهوم بازدارنده‌گی و گونه‌های مختلف آن

ارعاب و بازدارنده‌گی یکی از نظریات حقوق کیفری و جرم‌شناختی است، که در چهارچوب کارکرد فایده‌مندی کیفر، تکوین یافته و ریشه‌های آن را باید در اندیشه‌های بکاریا و بنتام و در قرن ۱۸ میلادی جست‌وجو کرد (میرزایی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۷۵). بازدارنده‌گی در لغت برگرفته از مصدر «بازداشتن» و به معنای منع کردن و جلوگیری کردن است (معین، ۱۳۸۸: ۱۸۱). در توضیح اصطلاحی این واژه، گیبس ضمن بیان این نکته که «تعریف هیچ‌یک از نتایج احتمالی مجازات بیش از تعریف بازدارنده‌گی مشکل نیست»، این‌گونه به تعریف آن می‌پردازد: «این کافی است که بازدارنده‌گی را تعریف کنیم به ترک یا کاهش ارتکاب عمل مجرمانه به وسیله یک فرد، به‌طور کلی یا جزئی؛ برای آن که فرد در می‌یابد ترک یا کاهش آن عمل (مجرمانه) خطر تحمل مجازات را که هر کسی در صورت ارتکاب جرم متحمل آن می‌شود کاهش می‌دهد» (غلامی، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۷؛ رضایی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۲۷). زیمرینگ بر این باور است که «بازدارنده‌گی عبارت است از تهدیدهایی که ممکن است انگیزه مجرمانه مجرمی را با تغییر در شیوه اندیشه‌اش از طریق تجسم دورنمای پیامدهای سوء تحقق آن انگیزه تقلیل دهد. او معتقد است بسیاری از افراد که در حین قصد ارتکاب عمل مجرمانه دُچار وسوسه می‌شوند، از ارتکاب آن خودداری می‌ورزند؛ زیرا لذتی که از این طریق ممکن است کسب کنند، با بیم از نتیجه ناگواری که مجازات قانونی به دنبال دارد متفی و خنثی می‌شود» (محمودی جانکی؛ آقای، ۱۳۸۷: ۳۴۳؛ جعفری بجنوردی، ۱۳۹۴: ۶۶). نظریه ارباب، مبتنی بر این پیش‌فرض بنیادین است که «بزه‌کاران بالقوه، هم‌چون تمامی شهروندان، بازی‌گرانی محاسبه‌گر هستند. این نظریه از طریق دگرگونی در هزینه‌ها و منافع بزه‌کاری، در پی آن است تا جرم را به گزینه‌یی غیر جذاب برای بزه‌کار تبدیل کند» (darley & Robinson, 2002: 285؛ جوان؛ جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳). از نگاه پیامدگرایان، یک سیاست کیفری اندیشیده‌شده، به معنای افزایش هزینه‌ها برای بزه‌کار است. درحقیقت، چنان‌چه هزینه‌های ارتکاب جرم، بیش از منافع حاصله باشد بزه‌کار در یک محاسبه عقلانی، از ارتکاب جرم خودداری خواهد نمود؛ از همین‌رو، باید هزینه‌های ارتکاب جرم را تا سرحد توان افزایش داد.

در نظریه‌های مربوط به فایده‌گرایی کیفری، می‌توان گونه‌های مختلفی از ارباب را بازشناخت:

۳-۱-۱. ارباب عام

براساس این برداشت، تحمیل کیفر بر بزه‌کار، موجب ایجاد هراس در میان مجرمان بالقوه خواهد شد؛ به عبارت دیگر، هدف ارباب عام، منصرف‌نمودن مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم می‌باشد. در این نوع از بازدارنده‌گی، مجرم به مثابه ابزاری برای ارسال این پیام به دیگر شهروندان است، که در صورت ارتکاب جرم، هم‌چون فرد مذکور، مجازات خواهید شد (Bagaic, 2001: 138). جرمی بنتام، براین برداشت از ارباب تأکید کرده و آن را هدف اصلی مجازات می‌دانست. از نگاه وی، ارباب خاص و نیز اصلاح بزه‌کار، در شمار پیامدهای ثانویه مجازات به‌شمار می‌آیند.

دستیابی به مقصود نهایی از ارباب عام، تنها هنگامی میسر می‌شود، که انواع ضمانت اجراهای کیفری به‌طور کامل مورد بررسی قرار گرفته و مؤثرترین آن‌ها برای بازداشتن اجتماع از بزه‌کاری برگزیده شود؛ از این‌رو، «بازدارنده‌گی عام مستلزم سنجش مجازات‌ها می‌باشد» (مهر، ۱۳۸۶: ۷۰). بدین ترتیب، سیاست‌گذاران کیفری، نخست می‌بایست جرایم مختلف و نیز ویژه‌گی‌های غالب مرتکبان این جرایم را بازشناخته و آن‌گاه به تعیین ضمانت اجرای مناسب برای آن‌ها کنند. باتوجه به این مسأله حُب حیات از مهم‌ترین غرایض انسانی است و منظره اعدام و تهدید به سلب حیات، به‌طور قطع قدم‌های جانی را در ارتکاب خیانت سُست خواهد نمود.

۳-۱-۲. ارباب خاص^۳

ارباب شخصی^۴ برداشت دیگری از کارکرد بازدارنده‌گی مجازات است. در تقابل با ارباب عام که بزه‌کاران بالقوه را نقطه تأثیرگذاری خود قرار می‌دهد؛ دراین‌گونه، خود بزه‌کار در کانون توجه قرار دارد. هنگامی که فردی مرتکب جرم می‌شود، باید مجازاتی بر وی اعمال شود تا تحمّل رنج حاصله از مجازات، موجب بازدارنده‌گی از ارتکاب مجدد بزه شود؛ از همین‌رو، ارباب خاص باید به شیوه‌یی باشد که تصور محکومیت پیشین، تمایل بزه‌کار را برای تکرار جرم از بین ببرد؛ به عبارت دیگر، «تجربه مجازات باعث می‌شود افراد دریابند هزینه‌های ارتکاب جرم بیش‌تر از منافع آن است» (Muncie & Wilson, 2004: 240).

بدین ترتیب، ارباب خاص تنها بر افرادی تکیه می‌کند، که حداقل یک‌بار سابقه ارتکاب جرم داشته باشند و به همین علت، یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش کارایی این نوع از ارباب، نرخ تکرار جرم است. ارباب خاص نخست، تمایلات و زمینه‌های بروز رفتار مجرمانه را در فرد پیش‌بینی کرده و آن‌گاه با در نظر داشتن این عوامل، مبادرت به تعیین مجازاتی مناسب برای جلوگیری از تکرار

3. Specific/ speacial deterrence

4. Individual deterrence

جرم می‌کند؛ البته باید توجه داشت، اگرچه بیش تر مجازات‌ها فی‌نفسه، ویژه‌گی بازدارنده‌گی خاص را دارا هستند، لیکن، برخی ضمانت اجراها هم‌چون اعدام، قصاص و حبس ابد قادر به تأمین هدف ارباب خاص نیستند. این‌گونه از کیفرمندی، تنها موجب بازدارنده‌گی سایر افراد جامعه خواهد شد؛ چرا که در این دسته از مجازات‌ها، هیچ‌گونه فرصتی به مجرم برای بازگشت به جامعه داده نمی‌شود (Hudson, 2003: 19).

۳-۱-۳. ارباب جزئی^۵

در این نوع از ارباب، فرد با مقایسه شدت ضمانت اجراهای متعددی که برای اشکال مختلف یک جرم منظور شده است، تصمیم به ارتکاب جرمی می‌گیرد، که مجازاتی سبک‌تر به همراه دارد؛ به عبارت دیگر، در این شکل از بازدارنده‌گی، «تهدید به ضمانت اجرا ارزش اربابی دارد» (Miethe & Lu, 2005, 21)؛ به همین علت، میزان تأثیر این نوع از بازدارنده‌گی را می‌توان در جرایمی که در سطوح مختلف ارتکاب می‌یابد، مشاهده کرد.

۳-۱-۴. ارباب نهایی^۶

ارباب نهایی، به بررسی ضمانت اجراهای کیفری متعددی می‌پردازد، که برای یک جرم ویژه در نظر گرفته شده است. آن‌گاه در پی یافتن این مسأله است که کدام یک از این ضمانت اجراها، تأثیر بازدارنده‌گی قوی‌تری در مقایسه با گونه‌های دیگر دارند؛ به عبارت دیگر، «ارباب نهایی به بررسی تأثیر بازدارنده‌گی یک ضمانت اجرای کیفری در مقایسه با ضمانت اجرای کیفری دیگر، می‌پردازد» (جعفری و هم‌کاران، ۱۳۹۵: ۶۵).

۴. بررسی نظریات مکتب فایده‌گرایی

۴-۱. پیشینه فایده‌گرایی بنیادی

اصول کلی فایده‌گرایی را هلوتیوس^۷ و دیوید هیوم^۸ مطرح کرده بودند. هلوتیوس بر این باور بود که آدمی باید اعمال خود را با توجه به مصالح عمومی ارزیابی کند. بنیاد مفهوم منفعت اجتماعی را از هیوم وام گرفت. کتاب سوم از تصنیف رساله «طبیعت انسانی»، که هیوم آن را نوشته بود، تأثیر زیادی بر بنیاد داشت. بنیاد در سال ۱۷۶۸ رساله‌یی به نام «حکومت» از جوزف پریستلی^۹ به دستش

5. Partial Deterrence

6. Marginal Deterrence

7. Helvetius

8. David Hume

9. Joseph Priestley

رسید که این عبارت را در آن یافت: «بیش‌ترین خوشی برای بیش‌ترین افراد». پریستلی گفته بود: خوشی یا خوش‌بختی اکثریت اعضای یک جامعه، معیاری است که همه امور آن حکومت و جامعه را بر مبنای آن باید سنجید؛ اما هاجسن^{۱۰} حتا پیش از وی در مباحث اخلاق گفته بود: به‌ترین عمل، عملی است که به بیش‌ترین خوشی یا خوش‌بختی افراد منتهی گردد (کاپلسون، ۱۳۸۶: ۱۹). بنام آن نظریه‌ها را به شیوه‌ی صریح و جامع و بر مبنای اساسی اخلاق و قانون‌گذاری منطبق ساخت (رستمی و سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

۴-۲. اصل فایده

در نظر جرمی بنتام، کلمات و واژه‌گانی چون لذت، خیر، خوشی و خوش‌بختی همه به یک چیز ارجاع دارند و اصل فایده نه‌تنها این واژه‌ها را در بر می‌گیرد، بل که ناظر بر رنج و آلم و در پی کاهش آن است؛ به عبارت دیگر، اصل فایده یعنی: بیش‌ترین لذت و کم‌ترین آلم. بنام برآن بود که میان مفاهیمی مانند تزهّد یا ترجم، تنفر دینی و اصل فایده، که بنیادش بر فهم و شناخت است، تمایز قائل شود. اصل تزهّد در پی تقلیل شادی و لذت است. این اصل نمی‌تواند کسی را به پویایی دایمی وادار کند. بر مبنای اصل تزهّد، افراط در لذت به آلم منتهی می‌شود، این اصل انسان را نسبت به لذت بدگمان می‌کند و به خاطر اجتناب از آلمی که در اثر افراط در لذت به وجود آمده، تا حدی شیفته آلم و رنج می‌شود. آن اعمال به درست و نادرست تقسیم می‌شوند، اصل نمی‌داند و با در نظر گرفتن تمامی جنبه‌هایش، به مانند وسیله‌ی برای اجتناب از تمسک به یک معیار خارجی و ابزاری برای تحمیل احساسات عامل و آفریننده بر دیگران می‌بیند. اصل دینی هم جز تغییر شکل اصل تزهّد و ترجم و تنفر نیست (همان‌جا: ۱۴۳).

۴-۳. لذت همه‌گانی

بنتام با توجه به خوشی و لذت دیگران، مسیرش را از خودگرایی جدا می‌کند و اساساً شعار «بیش‌ترین خوشی و سعادت برای بیش‌ترین افراد»، مُشعر بر روی‌گردانی از خودگرایی است. بنام اجتماع را جدا و منفک از افراد ندانسته و تعریف وی از اجتماع به دور از هرگونه تمایز ساخته‌گی میان فرد و جامعه است. اجتماع یک پیکر مجعول و به‌عبارتی متشکل از افرادی است که در حکم اعضای آن پیکرند و منفعت و سود جامعه عبارت است از سر جمع منافع اعضایی که آن را تشکیل می‌دهند. زمانی که اعمال، تمایل به ایجاد لذت بیش‌تر و رنج کم‌تر و به‌عبارتی سود در جامعه دارند، با اصل فایده قابل تطبیق‌اند (کاپلادی، ۱۳۸۳: ۲۸).

¹⁰. Hutcheson

۴-۴. مشکل اندازه‌گیری لذت

یکی از قدیمی‌ترین ایرادها به نتایج ناشی از اندازه‌گیری صرفاً کمی در سودگرایی بتنام است. کانون توجه ایراد مزبور آن است که لذت‌ها تفاوت کیفی دارند و انسان‌ها آن‌ها را از لحاظ کیفی و ارزشی درجه‌بندی می‌کنند و اگر چنین قابلیت‌هایی را از انسان دریغ کنیم، آن‌ها را تا حد حیوان تنزل داده‌ایم. از همین‌روست که کارلایل^{۱۱} نظریه بتنام را فلسفهٔ خوک‌ها می‌نامید. جان استوات‌میل، که هم‌چون بتنام یک فایده‌گراست، اما برخلاف بتنام لذت را منحصر در لذات مادی و محسوس نکرده و به تمایز لذات عالی و لذات دانی معتقد بود (حسینی سورکی، ۱۳۸۴: ۳۰۶).

۴-۵. شدت و رنج کیفر

در خوانش بتنامی برای این‌که کیفر نقش بازدارنده‌گی داشته باشد، باید دو نوع کارکرد یا ارزش به همراه داشته باشد: ۱. ارزش ظاهری؛ ۲. ارزش واقعی. ارزش واقعی رنج کامل کیفر است و درواقع تمام رنجی است که در اجرای کیفر احساس می‌شود. ارزش ظاهری، رنج احتمالی است که حسب توصیف کیفر و یا دیدن اجرای آن در تصور عموم انسان‌ها نقش می‌بندد. بتنام معتقد است برای ایجاد اثر ظاهری کیفر، اجرای واقعی آن ضروری است، لیکن می‌افزاید: «کیفری که ارزش آن در ظاهر به همان میزان یا بیش‌تر از ارزش واقعی است به کیفری که ارزش واقعی آن از ارزش ظاهری آن بیش‌تر است ترجیح دارد». به باور بتنام، حق کیفر، اجرای سایر حقوق را تضمین می‌کند. نه‌تنها اجرای این حق بیرون از نظام حکومتی متصور نیست، بل که حقوق دولت و افراد ممکن نیست بدون حق کیفر وجود داشته باشد (جانکی، ۱۳۸۷: ۳۵۰). برای رسیدن به هدف مزبور، کیفر باید دارای دو ویژه‌گی باشد. در مرحلهٔ نخست، کیفر باید هول‌ناک باشد. بتنام به شدت مجازات‌ها قائل بود و مجازات‌ها را از لحاظ ارباب و عبرت مردم لازم می‌دانست (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۶۸). به‌همین جهت در مورد جرایم بی‌نهایت خطرناک، به‌ویژه در مورد قتل، بتنام صریحاً کیفر مرگ را تجویز می‌کند؛ اما این پذیرش استثنایی است؛ زیرا در شرایط عادی حبس دایم توأم با اعمال شاقه تأثیر عمیق‌تری، نسبت به مجازات مرگ، بر اذهان دارد. بتنام در بین مجازات‌ها برای کیفر حبس اهمیت زیادی قائل بود و بر همین مینا دو نوع مؤسسه پیش‌نهاد کرد: سخت پانوپتیکن^{۱۲}، یعنی زندان‌گرد یا سراسرنگر. زندان سراسرنگر، به گونه‌ی طراحی شد که زندانیان، بی‌وقفه از محل برج کنترل، تحت مراقبت و نظارت نگهبانان باشند. زندانیان بایستی به‌طور منظم و دایم به کار تولیدی در داخل زندان مجبور می‌شدند تا از این طریق عادت کار عقلانی را کسب نمایند و به جای بازگشت به جرم پس از آزادی،

^{۱۱}. Carlyle

^{۱۲}. Panopticon

آن عادت را در خود حفظ نمایند. از این طریق، تصویر اندیشه‌های کلاسیک از طبیعت بشری نشان می‌داد که همه انسان‌های کاملاً مسؤول، بایستی به رنگ سیاه و با نشانه‌هایی که ملاقات‌کننده‌گان را تحت تأثیر قرار دهد، آراسته گردند و زندانیان در شرایط اسفناکی زنده‌گی کنند (مهر، ۱۳۸۸: ۸). با این حال، طرح پیش‌نهادی بن‌تام عملی نشد و او توانست دولت بریتانیا را به پذیرش زندان سراسر بین خود ترغیب نماید. در مرحله دوم، افکار همه‌گانی تا حد ممکن کیفر را بپذیرد؛ یعنی مردمی باشد و با مقاومت شهروندان روبه‌رو نگردد. مقبولیت اجتماعی کیفر به کارآمدی و مشروعیت آن مدد می‌رساند (رستمی، ۱۳۹۴، ۱۴۸).

۴-۶. اصل حساب‌گری

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بن‌تام برای تبیین و سامان‌دهی نظریه خود استخدام می‌کند، اصل «حساب‌گری جزایی» است، که براساس آن مجرمان را اشخاصی حساب‌گر، برنامه‌ریز و متفکر جلوه می‌دهد. او در اثر مشهور خود به‌نام «رساله قانون‌گذاری مدنی و کیفری»، طبیعت انسان را معقول و با منطق و حساب‌گر می‌پندارد. در این ارزش‌یابی، عقل با حساب‌گری خود در انتخاب راه به ما کمک می‌رساند و میان لذت‌ها و آلام به فزونی و کاستی هر یک حکم می‌کند و سود و زیان هر یک را می‌سنجد. «منطق سودمندی سرانجام به این نتیجه می‌رسد که انسان فردی خودخواه و همیشه در صدد جلب منفعت است. کسی که مرتکب جرم می‌شود نیز هدفش رسیدن به منفعت است؛ اما در ارتکاب جرم برای وی خطر دست‌گیری و تحمل مجازات وجود دارد. مجرم به هنگام ارتکاب جرم، در مقابل دو امر متضاد قرار دارد: یا به خاطر جلب منفعت جرم را مرتکب شده و مجازات را تحمل نماید و یا این که از ارتکاب جرم صرف‌نظر نموده، خود را در معرض کیفر قرار ندهد (قربان‌نیا، بی‌تا: ۴۲۰)؛ بنابراین، اگر کیفرها به‌شیوه‌ی وضع شوند که هرکس سود خود را در احتراز و امتناع از آلوده‌گی به بزه‌کاری بیابد و سرانجام کردار خویش را پیش‌بینی کند، غایت و غرض قانون‌گذاری که همانا منفعت همه‌گانی است تأمین خواهد شد. فرض کنید سود حاصل از جرم برابر ده پوند و احتمال مجازات یک بر دو باشد، حال برای این که کیفر معادل سود حاصل از بزه گردد، باید آن را به بیست پوند رساند. روی هم رفته فردی که تصمیم به ارتکاب بزه می‌گیرد، در عمل هم‌چون یک اقتصاددان با سبک و سنگین کردن مزایا و معایبی (منافع و رنج‌هایی) که ممکن است از جرم نصیبش گردد، رفتار می‌کند. او قاضی منافع خود است. انسان بزه‌کار، انسانی آزاد، باهوش و با عقل است که به‌طور واقعی دست به محاسبه دقیق می‌زند (رستمی و سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

۵. شرایط لازم برای بازدارنده‌گی مجازات

اگر بپذیریم کارکرد ارعایی مجازات به دلیل وجود حساب‌گری در انسان است، به‌طور منطقی برای این‌که مجازات اثر بازدارنده خود را بر گروه مخاطب باقی‌گذارد، سه شرط لازم است: اول این‌که آن افراد از ممنوعیت عمل و داشتن ضمانت اجرای کیفری مطلع باشند؛ دوم این‌که امکان وارد کردن این آگاهی را به رفتار داشته باشند و سومین شرط، این‌که در ارزش‌گذاری نهایی زیان حاصل از مجازات را بیش از سود حاصل از جرم بدانند (رابینسون و دارلی، ۲۰۰۲ م: ۱۴۵؛ جعفری، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

۶. آگاهی از وجود مجازات

وجود علم و اطلاع همه‌گانی از قانون تنها با انتشار قانون و گذشت مدتی پس از آن، حاصل می‌شود. بر مبنای یک پیش‌فرض، میزان اطلاع از قانون در درجه اول به نوع و ماهیت قانون و در درجه دوم به میزان آگاهی‌های عمومی بسته‌گی دارد. در خصوص نوع قانون باید گفت: هر چه قاعده حقوقی از انتظارات جامعه دورتر باشد، میزان بی‌اطلاعی مردم نسبت به آن قاعده بیش‌تر خواهد بود. در قالب حقوق کیفری، مردم از جرایم به اصطلاح طبیعی بیش‌تر از جرایم به اصطلاح قراردادی مطلع می‌شوند؛ زیرا قُبُح و زشتی آن‌ها ذاتی است و به دلیل همین قباحت زیاد جرم شناخته شده‌اند. در مورد جرایم از نوع اول شاید فرض قانون‌گذار تا حدود زیادی مقرون به واقع باشد، اما در مورد دسته دوم افراد بی‌اطلاع کم نیستند. مطلب مهم و اساسی در این‌جا اعتقاد مردم است که امکان دارد با آن‌چه قانون می‌گوید تفاوت داشته باشد؛ اعتقاد مردم را قضاوت آن‌ها در مورد قوانینی که باید باشد تشکیل می‌دهد، نه آن‌چه هست؛ به عبارت دیگر، آن‌ها تصور ابتدایی‌شان را در پیش‌بینی قواعد حقوقی به کار می‌اندازند، نه آگاهی واقعی از قواعد حقوقی. حتا می‌توان مدعی شد که در خصوص قواعد حقوقی ذاتی و طبیعی نیز تنها آگاهی از وجود نفس قاعده با فرض قانون‌گذار تطابق دارد، نه خصوصیات آن؛ حال آن‌که گاهی جهل به خصوصیات عمل ممکن است تصور غلطی نسبت به مجازات‌بودن یک عمل ممنوع ایجاد کند (جعفری، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

تحقیقی که در این زمینه در پنج ایالت امریکا نسبت به چهار قاعده حقوقی صورت گرفت، نشان داد که اعتقاد مردم با آن‌چه قانون می‌گویند تطابق ندارد؛ درحالی‌که این قاعده از قواعدی هستند که افراد معمولی در زنده‌گی روزمره در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند. این چهار قاعده عبارت‌اند از: وظیفه کمک کردن به افراد در معرض خطر، استفاده از نیروی کشنده دفاعی در وضعیتی که مدافع بتواند عقب‌نشینی کند، گزارش جنایتی که فرد از آن اطلاع یافته است و استفاده از نیروی کشنده در دفاع از اموال (رابینسون و دارلی، ۲۰۰۲ م: ۱۷۷).

از این‌ها گذشته، زبان قانون و میزان صراحت آن نیز مهم است. مردم پس از دست‌رسی به قانون باید بتوانند آن را بفهمند. اگر قانون بد نوشته شود و مردم آن را بد بفهمند، تفسیر بد آن‌ها به اندازهٔ جهل به قانون مضر است، به‌گونه‌یی که خواندن قانون وضع را به‌تر نمی‌کند، برخلاف مورد قبلی در این‌جا به جای آن که قانون را به اعتقادات جامعه نزدیک کنیم، این باورهای جامعه است که با انتظارات قانون هم‌آهنگ می‌شود. بدیهی است حکومتی که به این وظیفه عمل نکند نه‌تنها کیفرهایش در فرایند بازدارنده‌گی عقیم می‌ماند، بل که حق مجازات کردن خود را به‌عنوان عملی به دور از موازین عدالت از دست خواهد داد (رابینسون و دارلی، ۲۰۰۲ م: ۱۷۷).

بنابر مطالب فوق، اگر بتوان ممنوعیت‌های حقوق کیفری را به باورها و اعتقادات مردم نزدیک کرد یا در صورت امکان اعتقادات مردم را از طریق افزایش اطلاع آنان با حقیقت قوانین هم‌آهنگ ساخت، می‌توان انتظار داشت با اجتماع سایر شرایط، مقررات کیفری، مخصوصاً کیفر مرگ نقش اربابی خود را ایفا کنند.

۷. امکان انتخاب منطقی

به فرض که قانون دانسته شود، تأثیر بازدارندهٔ آن منوط به امکان تصمیم‌گیری گروه هدف (مجرمان) در لحظهٔ ارتکاب جرم و تفسیر آن است. برای تصمیم‌گیری صحیح و انتخاب منطقی لازم است نخست، مجرم به لحاظ قوای عقلانی در لحظهٔ ارتکاب جرم در وضعیت طبیعی باشد و دوم، فرصت لازم را برای این تصمیم داشته باشد. این درحالی‌است که عوامل متعددی روی این دو پارامتر تأثیر منفی می‌گذارد. به‌گونهٔ معمول، مجرمان کم‌تر تمایل به فکر کردن در مورد وضعیت رفتارشان و هدایت صحیح آن دارند. آن‌ها به‌دنبال خطر کردن اند، نه پرهیز از خطر.

به‌علاوه، تصمیمات رفتاری در لحظهٔ ارتکاب جرم اغلب ناشی از هیجانات و تحریکات آنی و فشار غرایز مختلف است؛ هم‌چنین برخی از مجرمان به دلایل مختلف توانایی خود را به اشتباه بیش از حد واقعی آن تخمین می‌زنند. این‌ها افرادی هستند که خود را باهوش‌تر و زیرک‌تر از آن می‌دانند که گرفتار قانون و مجازات شوند و به جهت همین اشتباه در محاسبه، دست به ارتکاب جرم می‌زنند. این وضعیت در جرایم گروهی زیاد اتفاق می‌افتد (غلامی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

۸. غلبهٔ زیان حاصل از مجازات بر نفع حاصل از جرم

تا این‌جا با مجرمی روبه‌رو هستیم که قانون را دانسته، درک کرده و توانسته است آن را تحلیل کند؛ اما هنوز فرآیند بازدارنده‌گی کامل نشده است. در وهلهٔ آخر باید مجرم، زیان جرم را بیش از نفع آن تلقی کند. این مدل اقتصادی از جرم را ابتدا بکاریا و بنتام و سپس بکر، اقتصاددان امریکایی، در سال

۱۹۶۸ م. مطرح کرد. در مدل بکر، فردی که درصدد ارتکاب جرم است احتمال دست‌گیرشدن در صورت ارتکاب جرم و میزان مجازات را در صورت دست‌گیری و منافع حاصل را در صورت دست‌گیرنشدن محاسبه می‌کند. وی در صورتی مرتکب جرم می‌شود که فایده مورد انتظار از جرم افزون بر مضرات ارتکاب آن باشد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۵۷)؛ مشروط بر این که این فایده، بیش از فایده‌ی باشد که وی توانسته است با انجام اعمال قانونی دیگر تحصیل کند.

۹. مناقشه

در رابطه به توجیه کیفر مرگ، مکاتب متعددی نظریات مختلفی را بیان نموده‌اند و باتوجه به منابع، محققان نیز این موضوع را که در فلسفه کیفر از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما تفاوت‌هایی که تحقیق حاضر با تحقیقات انجام‌شده دارد، در چند مورد قرار زیر بیان می‌نماییم:

الف. مقاله عبدالرضا جوان جعفری، که در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان «بازدارنده‌گی و سنجش آن در فلسفه کیفر» در پژوهش‌نامه کیفری به چاپ رسیده است؛ در این مقاله اندیشه‌های فلسفی درباره مجازات در مورد چستی و چرایی کیفر مورد بررسی قرار گرفته است و کارکرد ارباب کیفر را در کنار اصلاح بزه‌کار، ناتوان‌سازی وی و نیز پیش‌گیری از ارتکاب جرم، در شمار پیامدهای مهم اجرای مجازات دانسته است؛ اما در مقاله حاضر بیش‌تر توجه به توجیه کیفر در قالب یک مکتب فکری آن هم با تأکید بر ارباب جمعی صورت گرفته است؛

ب. مقاله حسن دادبان، که در سال ۱۳۸۷ تحت عنوان «بازدارنده‌گی و نقش آن در پیش‌گیری از جرم»، در فصل‌نامه حقوق به نشر رسیده است. در این مقاله نیز به جنبه‌های عمومی بازدارنده‌گی از قبیل اصلاح و درمان پرداخته شده است؛ درحالی‌که ما بیش‌تر به دنبال توجیه مجازات مرگ در قالب یک مکتب بودیم؛

ج. مقاله عبدالرضا جوان جعفری و زهرا آلاشتی، که در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان «بازدارنده‌گی و سنجش آن در فلسفه کیفر» در پژوهش‌نامه حقوق کیفری به نشر رسیده است؛ در این مقاله که نزدیک‌ترین مقاله به تحقیق حاضر می‌باشد، دیدگاه پیامدگرایان و نظریه فایده‌گرا را به‌عنوان نظریات بازدارنده‌گی مجرمان مورد بحث و بررسی قرار داده است؛ اما تفاوتی که با تحقیق حاضر دارد در این است که در تحقیق حاضر یک مکتب و یک راه‌کار آن بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته، در حالی در مقاله متذکره به بخش‌های مختلف نظریه پیامدگرایان پرداخته است.

به‌صورت عموم می‌توان گفت که تحقیق حاضر با تحقیق‌های مشابهی که صورت گرفته است از لحاظ محتوا به‌صورت خاص ارباب جمعی مکتب فایده‌گرایان را مورد بررسی قرار داده و براساس آن نتیجه‌گیری نموده است.

۱۰. نتیجه‌گیری

مجازات‌هایی که با ماهیت ترذیلی و تریبی به حذف ابدی مجرم می‌انجامد و در اغلب موارد با این هدف به کار می‌رود، که با کشتن مرتکب، دیگر شاهد تکرار آن رفتار بزه‌کارانه نباشیم. ارباب و عبرت‌انگیزی به‌عنوان غایت اعمال مجازات و با تمرکز بر این بُعد از مجازات و ایجاد هراس و واهمه در اذهان عمومی، در پی مقابله با انگیزه‌ها و وسوسه‌های مجرمانه و درنهایت تقلیل نرخ واقعی جرایم و برقراری امنیت اجتماع بوده است؛ بنابراین، می‌توان گفت مقوله «بازدارنده‌گی مجازات» از مهم‌ترین اهداف مجازات است که اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته تاریک و انتقام از مجرم، آن‌چنان که در رویکرد سزادهی مطرح است، بل که با هدف ساختن آینده‌یی روشن لازم می‌انگارد. بدین‌سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارنده‌گی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است؛ یعنی استفاده از مجازات به‌عنوان بازدارنده‌یی که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد.

از اواخر دهه ۱۹۷۰، تکرار اخلاقی جوامع به ایجاد تغییرات چشم‌گیری در مبانی توجیه اخلاقی کیفر مرگ، به‌ویژه فایده‌گرایی، منجر شد. افزایش جرایم نفرت‌انگیز، جنگی و تروریستی در دهه‌های اخیر از یک‌سو و از سوی دیگر لغو مجازات مرگ در اتحادیه اروپا و ۱۰۱ کشور در سایر قاره‌ها، افکار عمومی جامعه جهانی را نسبت به بازدارنده‌گی کیفر مرگ حساس کرد؛ به این ترتیب، اساسی‌ترین پرسشی که این پژوهش در پی پاسخ آن بود این بود که مکتب فایده‌گرایی با توجه به شاخص ارباب جمعی چه دیدگاهی در مورد توجیه کیفر مرگ ارائه می‌کند؟ و به این نتیجه رسید که کارکرد اربابی کیفر در کنار اصلاح بزه‌کار، ناتوان‌سازی وی و نیز پیش‌گیری از ارتکاب جرم، در شمار پیامدهای مهم اجرای مجازات محسوب می‌شوند. به رغم آن که کارکرد بازدارنده‌گی کیفر، مقوله‌یی قابل توجه در قلمرو توجیه مجازات محسوب می‌شود، لیکن، انتقادات وارده بر آن، گاه تأثیرگذاری نظریه ارباب را مورد تردید قرار می‌دهد. نظریه فایده‌گرایی در اندیشه بنتام، انسان و جامعه را در چهارچوب منفعت‌گرایی می‌نگرد و مدعی است همه رفتارها قابل تقلیل و تحویل به گزینه‌هایی است که در طلب لذت و اجتناب از الم انجام می‌گیرد. بنتام مجازات را مستلزم تحمیل رنج و یا به عبارت دیگر، کاهش لذت به انحاء گوناگون می‌داند؛ پس کیفری سودمند و ضروری خواهد بود، که از یک شر بزرگ‌تر جلوگیری کند، که بنتام آن را در قالب پیش‌گیری همه‌گانی توجیه می‌کند.

فایده‌گرایان به این عقیده‌اند که کیفر را باید به مثابه «شر ضروری» نگریند، که تنها به علت پیامدهای حاصله از تحمیل آن، قابل توجیه است. در حقیقت از نگاه فایده‌گرایان، مشروعیت کیفر به علت سودمندی آن است. براساس نظریهٔ ارباب، ترس از دست‌دادن جان و یا رنج مجازات موجب خودداری افراد از ارتکاب جرم می‌شود. کارکرد اربابی کیفر از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفت. ارباب عام و خاص، ارباب جزئی، ارباب نهایی و ارباب مطلق در شمار گونه‌های مختلف نظریه بازدارنده‌گی هستند.

ORCID

Moh Fahim Jawid



<https://orcid.org/0009-0001-4116-6520>

سرچشمه‌ها

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۷). «بازدارندگی از منظر حقوقی و جرم‌شناسی». ایران: مجله کارآگاه. ۲(۵). صص ۳۳-۵۱. SID. <https://sid.ir/paper/183776/fa>
۲. باگاریک، میرکو. (۲۰۰۱ م). مجازات و مجازات: روی‌کرد عقلانی. تهران: انتشارات کاوندیش.
۳. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ فرهادی آلاشتی، زهرا. (۱۳۹۸). «تأملی بر خوانش فیلسوفان اصالت فایده از بازدارندگی کیفر مرگ». ایران: مجله مجلس و راهبرد. ۲۶(۱۰۰). صص ۲۱۵-۲۴۱. SID. <https://sid.ir/paper/224890/fa>
۴. جوان جعفری، عبدالرضا؛ فرهادی آلاشتی، زهرا و سید محمدجواد ساداتی. (۱۳۹۵). «بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه‌ی کیفر». ایران: پژوهش‌نامه حقوق کیفری. ۲(۷). صص ۵۹-۷۸. https://jol.guilan.ac.ir/article_2029.html#ar_info_pnl_cite
۵. یزدیان جعفری، جعفر. (۱۳۸۸). «فرایند بازدارندگی مجازات (موانع و محدودیت‌ها)». ایران: مجله دانش انتظامی. ۱۱(۴) (مسلسل ۴۵). صص ۲۰۷-۲۲۹. SID. <https://sid.ir/paper/100509/fa>
۶. جعفری، جعفر. (۱۳۹۸). «چرایی و چگونگی مجازات». چ ۲. تهران: انتشارات پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. حسینی سورکی، سید محمد. (۱۳۸۴). «معنا و ماهیت سود در نظر سودگرایان». ایران: مجله نقد و نظر. ۱۰(شماره ۳۸-۳۷). صص ۳۰۱-۳۲۰. https://jpt.isca.ac.ir/article_20509.html#ar_info_pnl_cite
۸. دادبان، حسن؛ آقایی، سارا. (۱۳۸۸). «بازدارندگی و نقش آن در پیش‌گیری از جرم». ایران: مجله مطالعات حقوق خصوصی (حقوق). ۳(۳). صص ۱۲۵-۱۴۸. SID. <https://sid.ir/paper/124730/fa>
۹. رستمی، هادی؛ سلیمی، واحد. (۱۳۹۴). «رویکرد فایده‌گرایانه به مجازات در پرتو نظریه بتنام». ایران: پژوهش‌های حقوق کیفری. ۱(۱). صص: ۱۳۷-۱۵۷.
۱۰. رضایی راد، عبدالحسین و هم‌کاران. (۱۳۹۴). «کارکرد بازدارندگی مجازات اعدام». ایران: فصل‌نامه مطالعات پیش‌گیری از وقوع جرم. ۱۰(۳۴). magiran.com/p1420186

۱۱. صدیقی، حسین میرمحمد. (۱۳۸۲). «بررسی اثر بازدارنده مجازات اعدام». ماه‌نامه دادسری. شماره ۸ (۳۷).
۱۲. غلامی، حسین. (۱۳۸۷). **تکرار جنایت**. چ ۲. تهران: نشر میزان.
۱۳. غلامی، حسین. (۱۳۸۲). **تکرار جرم** (بررسی حقوق و جرم‌شناختی). تهران: نشر میزان.
۱۴. قربان‌نیا، ناصر. (بی‌تا). «فلسفه مجازات». نقد و نظر. ۴ (۳ و ۴).
۱۵. کاپلسون، فردریک چارلز. (۱۳۸۶). **تاریخ فلسفه**. ج ۸، چ ۴. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۱۶. کارل سمیت، دارلی؛ جی، رابینسون. (۲۰۰۲ م). «چرا مجازات می‌کنیم؟ بازدارندگی و بیابان عادلانه به عنوان انگیزه مجازات». ایران: مجله شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی. ۸۳ (۲).
۱۷. کالپادی، نیکولاس. (۱۳۸۳). **بتنام، میل و مکتب فایده‌گرایی**. ترجمه محمد بقایی. تهران: انتشارات اقبال.
۱۸. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۳). **حقوق جزای عمومی ایران**. ج اول. چ ۷. تهران: انتشارات دانش‌گاه تهران.
۱۹. محمودی جانکی، فیروز؛ آقایی، سارا. (۱۳۸۷). «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات». ایران: مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۳۸ (۲)، ۳۳۹-۳۶۱. <https://sid.ir/paper/124903/fa>
۲۰. مونس، جان؛ ویلسون، دیوید. (۲۰۰۴ م). **کتاب راه‌نمای دانشجویی عدالت کیفری و جرم‌شناسی**. تهران: انتشارات کاوندیش.
۲۱. مهرا، نسربین. (۱۳۸۶). «مفهوم و تعیین مجازات در فرآیند کیفری انگلستان» (با تأکید بر کارکردهای کیفری). ایران: مجله تحقیقات حقوقی. ۱۰ (۴۵). https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56362.html
۲۲. میرزایی مقدم، مرتضی. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر شدت و قطعیت مجازات در پیش‌گیری از وقوع جرم». ایران: فصل‌نامه مطالعات پیش‌گیری از جرم. ۵ (پ۱۶). صص ۱۷۳-۱۹۶.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۳). **دانش‌نامه جرم‌شناسی**. چ ۳. تهران: پژوهش‌کده حوزه و دانش‌گاه.

References

1. Ebrahimi, Shahram. (1387). "Deterrence from the perspective of law and criminology". Iran: Detective Magazine. 2(5). pp. 33-51. SID. <https://sid.ir/paper/183776/fa>. (in Persian)
2. Bagarik, Mirko. (2001 AD). Punishment and Punishment: A Rational Approach. Tehran: Cavendish Publications. (in Persian)
3. Javan Jafari Bejnordi, Abdul Reza; Farhadi Alashti, Zahra. (2018). "A reflection on the philosophers' reading of the originality of benefit from the deterrence of the death penalty". Iran: Majles and Strategy Magazine. 26(100). pp. 215-241. SID. <https://sid.ir/paper/224890/fa>(in Persian)
4. Javan Jafari, Abdul Reza; Farhadi Alashti, Zahra and Seyed Mohammad Javad Sadati. (2015). "Deterrence and its measurement in the philosophy of punishment". Iran: Research Journal of Criminal Law. 7(2). pp. 59-78. https://jol.guilan.ac.ir/article_2029.html#ar_info_pnl_cite(in Persian)

5. Yazdian Jafari, Jafar. (1388). "Process of punishment deterrence (obstacles and limitations)". Iran: Danesh Zazami magazine. 11(4 (series 45)). pp. 207-229. SID. <https://sid.ir/paper/100509/fa>(in Persian)
6. Jafari, Jafar. (2018). Why and how to punish. Ch 2. Tehran: Publications of Islamic Culture and Thought Research Institute. (in Persian)
7. Hosseini Soraki, Seyyed Mohammad. (1384). "The meaning and nature of profit according to utilitarians". Iran: Naqd wa Nazar magazine. 10 (No. 37-38). pp. 301-320. https://jpt.isca.ac.ir/article_20509.html#ar_info_pnl_cite
8. Dadban, Hassan; Sir, Sarah. (1388). "Deterrence and its role in crime prevention". Iran: Journal of Private Law Studies (Law). 39(3). pp. 125-148. SID. <https://sid.ir/paper/124730/fa>(in Persian)
9. Rostami, Hadi; Salimi, unit. (2014). "The utilitarian approach to punishment in the light of Batnam's theory". Iran: Criminal law research. 1(1). pp.: 137-157. (in Persian)
10. Rezaei Rad, Abdul Hossein and colleagues. (2014). "Deterrent Function of Death Penalty". Iran: Quarterly of crime prevention studies. 10(34). magiran.com/p1420186(in Persian)
11. Sediqi, Hossein Mirmohammed. (1382). "Investigation of the deterrent effect of the death penalty". Judicial Monthly. Number 8 (37). (in Persian)
12. Slavery Hossein. (1387). Repeat crime. Ch 2. Tehran: Mizan Publishing.
13. Gholami, Hossein. (1382). Recidivism (legal and criminological review). Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
14. Gurbania, Naser. (Beta). "Philosophy of Punishment". Criticism and opinion. 4(3 and 4). (in Persian)
15. Capelson, Frederick Charles. (1386). history of philosophy. C. 8. Ch. 4. Translation by Bahauddin Khorramshahi. Tehran: Scientific and Cultural Publication. (in Persian)
16. Carl Smith, Darley; Jay, Robinson. (2002 AD). "Why do we punish? Deterrence and just desert as punishment motive". Iran: Journal of personality and social psychology. 83 (2). (in Persian)
17. Kalpadi, Nicholas. (1383). Betnam, desire and the school of utilitarianism. Translated by Mohammad Baghai. Tehran: Iqbal Publications.
18. Goldouzian, Iraj. (1383). General criminal law of Iran. The first c. Ch7. Tehran: Tehran University Press. (in Persian)
19. Mahmoudi Janaki, Firoz; Sir, Sarah. (1387). "Examination of the deterrence theory of punishment". Iran: Private Law Studies (Law), 38(2), 339-361. <https://sid.ir/paper/124903/fa>(in Persian)
20. Munsey, John; Wilson, David. (2004 AD). Student guidebook of criminal justice and criminology. Tehran: Cavendish Publications. (in Persian)
21. Mehra, Nasreen. (1386). "The concept and determination of punishment in the criminal process of England (with an emphasis on criminal functions)". Iran: Journal of legal research. 10(45). https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56362.html(in Persian)
22. Mirzaei Moghadam, Morteza. (1389). "Investigation of the effect of severity and certainty of punishment in preventing the occurrence of crime". Iran: Crime Prevention Studies Quarterly. 5 (P16). pp. 173-196. (in Persian)
23. Najafi Ebrandabadi, Ali Hossein; Hashem Beigi, Hamid. (2013). Criminology degree. Ch3. Tehran: Field and University Research Code. (in Persian)